



ویژگی‌های ساختار تطبیق برای تحقق ثبات مالی

محمد ولی پور پاشاه^۱

چکیده

ساختار تطبیق در بانکداری بین‌الملل سال‌هاست که پذیرفته شده است، اما این ساختار و ویژگی‌های آن در نظام مالی ایران به شکل رسمی و استاندارد همچنان مغفول مانده است و به اندازه کافی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بر همین اساس، نقش ساختار تطبیق در تحقق ثبات مالی نیز نامعلوم است در حالی که توجه به ویژگی‌های آن، تحقق ثبات مالی را تسهیل می‌کند. این مقاله به دنبال تبیین و بررسی وظایف و کارکردهای حوزه تطبیق و پیاده‌سازی آن به عنوان ویژگی‌های ساختار تطبیق برای تحقق ثبات مالی است.

واژگان کلیدی: ساختار تطبیق، ثبات مالی، بانکداری بین‌الملل

طبقه‌بندی JEL: E32, G21, G28

۱. مقدمه

منظور از تطبیق در نظام بانکی بین‌الملل رعایت مقررات و دستورالعمل‌های بین‌المللی جهت تحقق اهداف فعالیت‌های مالی و بانکی است. ساختار تطبیق در بردارنده قوانین، قواعد و استانداردهای داخلی و بین‌المللی است و شامل حوزه‌هایی است که از گسترش اقدامات مبتنی بر پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم ممانعت می‌کند. کارکرد تطبیق موضوعاتی مانند استانداردهای رفتاری، مدیریت تضاد منافع و رفتار منصفانه با مشتریان را در برمی‌گیرد. ریسک تطبیق طبق تعریف برابر است با احتمال پذیرش تحریم‌های مقرراتی یا قانونی، زیان‌های مالی احتمالی و زیان حاصل از شهرتی که در اثر عدم رعایت قوانین بین‌المللی ایجاد می‌شود. ثبات مالی وضعیتی است که در آن نظام مالی یعنی بازارهای مالی و بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در برابر شوک‌های اقتصادی مقاوم بوده‌اند و متناسب با کارکردهای اساسی آن شامل واسطه‌گری وجوه، مدیریت ریسک و پرداخت‌ها تهیه و تنظیم می‌گردد.

برای بررسی نقش تطبیق در دستیابی به ثبات مالی به عنوان یک ضرورت باید به تعامل میان بخش حقیقی اقتصاد و نظام مالی بویژه شبکه بانکی توجه داشت. برای این منظور، ایجاد ساختاری واضح برای نظارت احتیاطی و سیاست‌های منتهی به ثبات مالی ضرورت پیدا می‌کند. ساختار مذکور مقامات و مسئولین حوزه تطبیق را برای شناسایی ریسک سیستمی، نظارت و تحلیل عوامل بازار و سایر عوامل مالی و اقتصادی در جهت انباشت ریسک سیستمی، اجرای سیاست‌های متناسب و ارزیابی نحوه تأثیرگذاری

^۱ . هم‌تراز عضو هیأت علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران m.valipoor@mbri.ac.ir



بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی اصلاحات ساختاری برای ثبات مالی



تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما - ۲۹ و ۳۰ خرداد ۱۳۹۷

این سیاست‌ها بر بانک‌ها و نظام مالی هوشیار می‌سازد و مکانیزم‌هایی را برای همکاری مؤثر و هماهنگی میان نهادهای ذیربط ایجاد می‌کند.

عناصر موردنیاز برای ایجاد یک ساختار موفق در نظام مالی جهت دستیابی به ثبات مالی به شرح ذیل می‌باشند:

۱- تعارضات میان بخش‌های مختلف سازمانی با ایجاد یک سیستم استاندارد قابل رفع می‌باشند. این سیستم با یک تشکیلات حقوقی مدرن شامل حقوق مالکیت، قراردادها، مسائل حقوقی راجع به ورشکستگی و حفاظت از حقوق ذینفعان مؤثر واقع خواهد شد.

۲- سیستم قضائی مستقل و کارآمد

۳- اصول و قوانین مطابق با استانداردهای حسابداری

۴- سیستم حسابرسی خارجی مستقل برای ارائه گزارش شفاف و منصفانه از وضعیت مالی بانک‌ها

۵- دسترسی به حسابداران، حسابرسان و وکلای حرفه‌ای، صاحب‌نظر، مستقل و مجرب برای نظارت مؤثر و مبتنی بر استانداردهای فنی و حرفه‌ای در بانکداری بین‌الملل

۶- وجود قوانین مرتبط با حاکمیت شرکتی

۷- نظام پرداخت و تسویه مدیریت‌شده، کارآمد و ایمن جهت مبادلات مالی

۸- گزارشات اعتباری اثربخش و مؤثر برای ارزیابی ریسک

۹- دسترسی عمومی به آمارهای پایه اقتصادی، مالی و اجتماعی

مزیت ساختار تطبیق آن است که با ایجاد یک ساختار منظم و اثربخش می‌توان با بحران مالی مقابله و یا از بروز آن جلوگیری کرد و انحراف از ثبات مالی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در معرض خطر را به طور شفاف نشان داد. این شفافیت به خاطر وجود الزامات قانونی در ساختار تطبیق در بانک‌ها و بانک مرکزی است. مقامات بانک‌ها و بانک مرکزی باید از ابزارهای قانونی قوی و مناسب برای رویارویی و حل مشکلات ساختاری بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در حوزه تطبیق برخوردار باشند. این ساختار با ایجاد تفاهم سازنده و به شیوه هماهنگ میان مقامات ذیربط در خصوص مسئولیت‌های منحصربفرد و مشترک برای مدیریت بحران، رافع مشکلات و مسائل حوزه تطبیق برای دستیابی به ثبات مالی خواهد بود. مزیت دیگر ساختار تطبیق آن است که گردش اطلاعات خاص و محرمانه میان مقامات بانکی به راحتی صورت می‌گیرد و برنامه‌ریزی پیشگیرانه برای مدیریت و بهبود وضعیت بحران مالی را تسهیل می‌کند.

۲. مطالعات پیشین

بخش قابل توجهی از مطالعات انجام شده در حوزه تطبیق بر پیاده‌سازی کامل اصول تطبیق در جهت تکمیل فرایندهای کارکرد کنترل ریسک به منظور مدیریت و نظارت بر کارکرد این حوزه در نظام مالی تأکید داشته است. مسأله مهم آن است که در دوران رونق اقتصادی که فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری عمدتاً سودآور است، بسیار سخت بتوان گوش شنوایی در میان اعضاء هیأت مدیره و مدیران ارشد بانک‌ها پیدا کرد که توصیه‌های کارشناسان تطبیق را بشنوند. جمع‌بندی این توصیه‌ها ناظر بر آن

بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی اصلاحات ساختاری برای ثبات مالی



تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما - ۲۹ و ۳۰ خرداد ۱۳۹۷

است که پیاده‌سازی اصول تطبیق باعث کنترل ریسک و بهبود اثربخشی فعالیت بانک‌ها و کمک بزرگی به بانک مرکزی در امر نظارت بانکی، تنظیم مقررات و تطابق با استانداردها خواهد بود.

بارت و همکاران (۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸)^۲ با استفاده از آمارهای بین‌المللی اثر مقررات حوزه تطبیق بر ثبات مالی را مورد ارزیابی قرار دادند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که نظارت قوی بر بازارها و بخش خصوصی عامل تعیین‌کننده در بهبود ثبات مالی به شمار می‌روند. لیون و لوین (۲۰۰۹)^۳ با تمرکز بر حاکمیت شرکتی از متغیرهایی نظیر الزامات سرمایه‌ای، بیمه سپرده و ساختار مالکیت بانک‌ها برای تعیین اولویت‌های تطبیق برای تأمین ثبات مالی استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رعایت اصول و مقررات حوزه تطبیق بر ریسک‌پذیری بانک‌هایی که دارای ساختار مالکیتی منحصربفرد در برابر ساختار مالکیت جمعی بودند، بیشتر اثر می‌گذارد و در نتیجه ثبات مالی را بیشتر می‌کند.

بارت و همکاران (۲۰۰۴)^۴ شواهد تجربی مبنی بر تأثیر اقدامات نظارتی و مقرراتی حوزه تطبیق بر توسعه و ثبات مالی را با استفاده از اطلاعات آماری پرسشنامه‌ای از نمونه‌ای بالغ بر ۱۰۷ کشور جهان ارائه کرده‌اند. نتایج نشان داده‌اند که رابطه معنی‌دار بین تقویت سرمایه بانک، قدرت مقام ناظر، عملکرد بانک و ثبات مالی یافت نمی‌شود. هرچند که آن‌ها دریافتند اقدامات نظارتی و مقرراتی حوزه تطبیق که منجر به افزایش اجبار بر بانک‌ها جهت شفافیت صحیح اطلاعاتی می‌شود، نظارت بخش خصوصی بر بانک‌ها را تقویت کرده است و انگیزه‌های بخش خصوصی برای بالارفتن کنترل‌ها افزایش می‌یابد تا ثبات مالی را بهبود بخشد. کشورهای توسعه‌یافته به طور مشخص و در یک مجموعه از اطلاعات آماری، با رعایت اولویت‌های حوزه تطبیق آسیب‌های کمتری از بحران مالی در طی دو دهه گذشته دریافت کردند و تسهیلات غیرجاری کمتری از خود گذاشته و بازارهای اعتباری عمیق‌تری هم در اختیار داشته‌اند.

مطالعات دیگر در زمینه تأثیر اقدامات نظارتی و مقرراتی حوزه تطبیق بر بحران‌های مالی (دمیرگوک-کانت دیتراگیاچ (۲۰۰۲)^۵: بک و همکاران (۲۰۰۶)^۶: چورتاریاس و همکاران (۲۰۱۲)^۷) و رفتار ریسک‌پذیری بانک‌ها (گونزالز (۲۰۰۵)^۸: لیون و لوین (۲۰۰۷) و (۲۰۰۹)^۹) نشان می‌دهند که اولویت‌های حوزه تطبیق به طور معنی‌دار بر ثبات مالی مؤثر بوده است. مقامات ناظر قوی بعضاً تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که تأثیر منفی بر کارکرد بانک‌ها می‌گذارند و با استفاده از نفوذ سازمانی و قدرت نظارتی خود به نفع گروه‌های خاص سیاست‌گذاری کرده و حمایت پویش‌ها را جلب کرده‌اند (شلیفر و ویشنی (۱۹۹۸)^{۱۰}: دیجانکو و همکاران (۲۰۰۲)^{۱۱}: کوئین تین و تیلور (۲۰۰۲)^{۱۲} و لوین (۲۰۱۱)^{۱۳}).

2- Barth et al. (2004, 2006, and 2008)

3- Laeven and Levine, (2009)

4- Barth et al., (2004)

5- Demirguc-Kunt and Detragiache, (2002)

6- Beck et al., (2006)

7- Chortareas et al., (2012)

8- Gonzalez, (2005)

9- Laeven and Levine, (2007), (2009)

10- Shleifer and Vishny, (1998)

11- Djankov et al., (2002)

12- Quintyn and Taylor, (2002)

13- Levine, (2011)



بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی اصلاحات ساختاری برای ثبات مالی



تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما - ۲۹ و ۳۰ خرداد ۱۳۹۷

همچنین مطالعات پیشین دیگری وجود دارند که نتایج متفاوتی در رابطه با تأثیر سیاست‌های مقرراتی بر ثبات مالی بانک‌ها ارائه می‌کنند. بارت و همکاران (۲۰۰۴) در تحقیق تجربی خود نشان دادند که ساختار تطبیق بر ثبات بانک‌ها تأثیرگذار هستند و دریافته‌اند که اقدامات نظارتی و مقرراتی در حوزه تطبیق که به بهترین شکل ممکن بر بهبود ثبات مالی تأثیر می‌گذارند، بر شفافیت تولید و انتشار اطلاعات تأکید داشته، و نظارت بر بانک‌ها را تقویت نموده و در نهایت انگیزه‌های لازم برای ذینفعان بخش خصوصی جهت کنترل و نظارت‌های بیشتر را تقویت می‌کنند. با استفاده از مجموعه اطلاعات موجود در کشورهای مختلف، این پژوهش‌گران به این حقیقت دست یافتند که اقتصادهای مبتنی بر سیاست‌های تطبیق با این ویژگی‌ها در دو دهه اخیر شاهد بحران‌های کمتری بودند و در عین حال بازارهای اعتباری قوی‌تری را در اختیار داشتند.

دومپوس و همکاران (۲۰۱۵)^{۱۴} نمونه بزرگی از ۱۷۰۰ بانک تجاری در ۹۰ کشور دنیا طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۰ برای مطالعه تأثیر شاخص‌های مقرراتی نظیر استقلال بانک مرکزی، مداخله بانک مرکزی در مقررات احتیاطی و انسجام نظارتی بر ثبات مالی بانک‌ها در نظر گرفتند و نتایج مؤید ارتباط مثبت و معنی‌دار این شاخص‌ها با ثبات مالی است. کارتا و همکاران (۲۰۱۵)^{۱۵} با استفاده از نمونه‌ای از ۱۹ کشور اروپایی بر فرهنگ نظارت بانکی برای ارزیابی ثبات مالی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری تمرکز کرد و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ نظارتی بر ثبات مالی اثر مثبت دارد.

۳. ویژگی‌های ساختار تطبیق

ویژگی‌های ساختار تطبیق از دو منظر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند: ۱. وظایف و کارکردها، ۲. پیاده‌سازی.

۳.۱. وظایف و کارکردها

مهمترین وظایف حوزه تطبیق به طور خاص در رده‌های مسئولیتی اعضاء هیأت مدیره، مدیران اجرایی ارشد و مدیران و کارشناسان واحد تطبیق در تبیین کارکردها طبقه‌بندی می‌شوند. اعضاء هیئت مدیره بانک‌ها در اولین گام بر نحوه اجرای فرایند تطبیق و ریسک‌های احتمالی مرتبط با آن نظارت دارند و در صورت نیاز بازنگری‌های لازم را به عمل می‌آورند. نظارت صحیح اعضاء قطعاً پس از تأیید سیاست‌های تطبیق امکان‌پذیر خواهد بود و سیاست‌های تطبیق نیز باید در قالب اسناد رسمی تدوین شده و حاوی کارکردها و برنامه‌های عملیاتی، مؤثر و پایدار از سوی اعضاء باشد. در این چارچوب، هیئت مدیره موظف است گزارش دستاوردهای بانک‌ها در مدیریت ریسک تطبیق را ارزیابی نماید. مدیران ارشد نیز مانند سایر ارکان بانک‌ها وظایفی برعهده دارند. این وظایف در مجموع گسترش فرهنگ تطبیق در راستای سیاست‌های تدوین‌شده و ابلاغ‌شده از سوی اعضاء هیئت مدیره به بخش‌های مختلف را شامل می‌شوند و گزارش عملکرد حوزه مدیریت ریسک تطبیق از سوی زیرمجموعه‌ها را در مدت زمان تعیین‌شده به هیئت مدیره ارسال می‌کنند.

کارکردهای حوزه تطبیق به صورت مستقل تعریف می‌شوند و مفهوم استقلال آن است که اول، کارکردها از یک چارچوب رسمی برخوردار هستند و همه ارکان بانک، آن را به رسمیت می‌شناسند. دوم، مدیر واحد تطبیق مسئول هماهنگی‌های لازم جهت

¹⁴-Doumpos et al. (2015)

¹⁵-Carretta et al. (2015)



بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی اصلاحات ساختاری برای ثبات مالی



تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما - ۲۹ و ۳۰ خرداد ۱۳۹۷

مدیریت ریسک تطبیق در بانک به حساب می‌آید. سوم، مدیر واحد تطبیق از میان افرادی انتخاب می‌گردد که تضاد منافع میان مسئولیت‌های فعلی واحد تطبیق و سایر مسئولیت‌هایی که ممکن است از قبل پذیرفته باشد، به وجود نیاید. چهارم، مدیر واحد تطبیق و کارشناسان واحد مربوطه دسترسی کامل به اطلاعات و پرسنل ذیربط در این حوزه جهت انجام مسئولیت‌های خود داشته است.

۳،۲. پیاده‌سازی

برای این که کارکردهای تطبیق برای تحقق ثبات مالی مؤثر واقع شوند، برآیند کنترل ریسک و بهبود اثربخشی همزمان اتفاق خواهند افتاد و در این راستا ویژگی‌های زیر برای تدوین ساختار تطبیق جهت تحقق ثبات مالی اهمیت پیدا می‌کنند:

۳/۲/۱. کفایت یا عدم کفایت زیرساخت‌های مقرراتی بررسی می‌گردد: رویه‌های تطبیق و وضع قوانین و مقررات باید متناسب با زیرساخت‌ها و شرایط موجود در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری تدوین و بروزرسانی می‌شوند. فضای مقرراتی در ارتباط با خدمات مالی ممکن است به یک پارادکس تبدیل شود. برخی از بانک‌ها و مؤسسات سپرده‌پذیر، رویه‌های سخت‌گیرانه‌تری در پیش می‌گیرند، درحالی که برخی دیگر مانند صندوق‌های تأمین اعتبار، خارج از فضای مقررات رسمی، میلیاردها دلار دارایی را تحت کنترل خود درمی‌آورند. چارچوب تطبیق باید به طور شفاف برای پوشش بخش وسیع‌تری از زیرمجموعه‌های نظام مالی مورد استفاده قرار گیرد.

۳/۲/۲. وجوه متمایز بانکداری در ایالات متحده و اروپا تناقض‌هایی را به همراه دارند: فضای بانکداری ایالات متحده و اتحادیه اروپا دو وجه متمایز از پوشش تطبیق را نمایش می‌دهند. اولی مبتنی بر وضع مقررات داخلی و منحصر بفرد و دومی مبتنی بر دستورالعمل‌های یکپارچه برای تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی عضو اتحادیه اروپاست. طبیعی است وقتی که هرچقدر دامنه و پوشش مقررات وسیع‌تر باشد، پیچیدگی سیاست‌ها، حجم و دامنه ساختار تطبیق نیز به تبع آن بیشتر خواهد شد. بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ نیز نشان داد که سرمایه بانک‌ها برای مقابله با بحران، ناکافی بوده و در نتیجه بسیاری از بانک‌ها نیازمند تجدید ساختار سرمایه از سوی دولت و بخش خصوصی شدند. در حالی که بسیاری از مطالعاتی که بر مبنای دستورالعمل‌های بال ۲ انجام شد نتیجه‌ای جز الزامات سرمایه‌ای پایین‌تر برای بانک‌ها به همراه نداشت. این درحالیست که نتایج آزمون تنش در بسیاری از بانک‌های ایالات متحده نشان می‌دهند سطح سرمایه در اکثر بانک‌ها باید افزایش یابد. نکته جالب‌تر آن است که در برخی موارد توصیه شده است که حتی تطبیق با سطح سرمایه بالاتر نیز برای رویارویی با بحران‌های احتمالی کافی نیست و بهبود عملیاتی در ساختار بانک‌ها باید مهمتر از افزایش سرمایه باشد.

۳/۲/۳. تطبیق در آینده بانک‌ها نقش مهمتری ایفا خواهد کرد: نمونه‌هایی از بانک‌ها وجود دارند که در اثر عدم رعایت معیارهای تطبیق خسارت‌های فراوانی را متحمل شدند و بانک‌ها امروزه به قدری به ساختار تطبیق اهمیت می‌دهند که تقریباً هیچ بانکی از ابعاد ساختار تطبیق بی‌بهره نمانده است.

۳/۲/۴. مدیریت ریسک با استفاده از دستورالعمل‌های احتیاطی پیاده‌سازی می‌شود: ضمانت اجرایی لازم برای مدیریت مالی بانک‌ها در این است که مدیریت ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری باید مبتنی بر دستورالعمل‌های احتیاطی به صورت اثربخش پیاده‌سازی شود. علائم هشداردهنده، به عنوان مثال، رشد سریع بازارهای مالی در کوتاه‌مدت با خود ریسک‌هایی را به



همراه خواهد داشت که در خصوص مخاطرات احتمالی آتی به سیاست‌گزاران هشدار می‌دهند. بسیاری از این هشدارها صحیح بوده‌اند ولی کمتر به آن‌ها توجه شد. بنابراین، ارائه تضمین‌های لازم برای پیاده‌سازی مؤثر قواعد و مقررات بین‌المللی وظیفه اصلی حوزه تطبیق به شمار می‌آید.

۳/۲/۵. مدیریت ریسک تطبیق بیش از پیش مورد نیاز است: مدیریت ریسک تطبیق کمک می‌کند تا بانک‌ها پیش‌بینی‌های لازم را در خصوص نواقص تطبیق به عمل آورند، به دنبال نحوه کارکرد فرایندهای تطبیق باشند و با کشف سطح ریسک تطبیق، اثربخشی رعایت استانداردهای بین‌المللی را مورد ارزیابی قرار دهند.

۳/۲/۶. بازده سرمایه‌گذاری در حوزه تطبیق اندازه‌گیری می‌شوند: کمتر از ده درصد بانک‌ها در دنیا وجود دارند که بازده حاصل از سرمایه‌گذاری در حوزه تطبیق را اندازه‌گیری می‌کنند و در این راستا از ابزارهای کیفی و کمی بوسیله کارت متوازن، دریافت بازخوردهای مقرراتی به کمک مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها بهره‌مند می‌شوند.

۳/۲/۷. فرهنگ تطبیق در بانک‌ها نهادینه می‌شود: چارچوب تطبیق با فراهم‌کردن بسترهای آموزشی توسط مدیریت ارشد بانک‌ها جدی گرفته می‌شود و فرهنگ تطبیق نیز در کنار سایر اجزاء، مدیریت شده و قابل اندازه‌گیری می‌باشد.

۴. جمع‌بندی

باتوجه به آثار مخرب بحران مالی که در مقیاس جهانی گسترش یافت و تحولاتی که در ساختار نظام مالی بین‌المللی در دوران بعد از بحران اتفاق افتاد، ساختار پویا و اثربخش تطبیق در بانک‌ها ابزاری مهم در مدیریت ریسک جهت حفظ شهرت بانک‌ها تلقی می‌گردد. همچنین ممکن است پوشش تمامی مختصات فعالیت‌های بانکی توسط قوانین و مقررات امکان‌پذیر نباشد، اما بانک‌ها در نهایت یکی از دو رویه اروپایی و آمریکایی را برای تکمیل و قوام ساختار تطبیق جهت تحقق ثبات مالی انتخاب خواهند کرد و مدیریت ریسک تطبیق، احیاء زیرساخت‌های مقرراتی و اندازه‌گیری بازده سرمایه‌گذاری در این حوزه را در کنار بهبود فرهنگ تطبیق مورد توجه بیشتری قرار خواهند داد.

منابع

- Barth, J.R., Caprio, G., Levine, R., (2004). *Bank regulation and supervision: what works best?*, Journal of Financial Intermediation 13, 205-248.
- Bank for International Settlements, (2005). *Compliance and the Compliance Function in Banks*, Basel Committee on Banking Supervision, www.bis.org.
- Bank for International Settlements, (2008). *Implementation of the compliance principles, a survey*, Basel Committee on Banking Supervision, www.bis.org.
- Bank for International Settlements, (2012). *Core Principles for Effective Banking Supervision*, Basel Committee on Banking Supervision, www.bis.org.
- Beck, T., Demirgu-Kant, A., and Levine, Ross (2005). *Bank Concentration and Fragility: Impact and Mechanics*, National Bureau of Economic Research, Working Paper 11500.
- Carretta, A., Farina, V., Fiordelisi, F., Schwizer, P., Lopes F. (2015). *Don't stand so close to me: The role of supervisory style in banking stability*. Journal of Banking & Finance 52, 180- 188.
- Chortareas, G., Giradone, C., and Ventouri, A., (2012). *Bank supervision, regulation, and efficiency: Evidence from the European Union*, Journal of Financial Stability 8, 292- 302.



- Demirgüç-Kunt, A., Detragiache, E., (2002). *Does Deposit Insurance Increase Banking System Stability?*, An Empirical Investigation. *Journal of Monetary Economics* 49: 1373-1406.
- Doumpos, M., Gaganis, C., Pasiouras, F. (2015). *Central bank independence, financial supervision structure and bank soundness: An empirical analysis around the crisis*. *Journal of Banking & Finance* 61, S69-S83.
- Djankov, S., McLiesh, C. and Shleifer, A. (2007). *Private credit in 129 countries*, *Journal of Financial Economics* 84, 299-329.
- Leaven, L., Levine, R. (2009). *Bank governance, regulation and risk taking*, *Journal of Financial Economics* 93, 259-275.